

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی

عبدالحمید نقره کار*

محمدعلی کی تزاد**

آریتا بلالی اسکویی***

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۶

چکیده

ساخت مجموعه‌های معماری و فضاهای مستقل شهری تحت عنوان ابواب البر – با الهام از اماکن مقدس، مشاهده قبور آئمه اطهار و سایر بزرگان دینی و عرفانی – و نیز مراکز آموزشی که در واقع ترکیبی از مجموعه‌های علمی و مذهبی‌اند، عمدۀ ترین تحول در معماری و شهرسازی دوره ایلخانی می‌باشد. متأسفانه به سبب وقوع حوادث طبیعی و غیرطبیعی بسیار در طول زمان، دسترسی به این شهرها و مطالعه مستقیم آن‌ها به راحتی میسر نیست؛ از این رو، برای بررسی این شهرها و تعیین نحوه ساختار آن‌ها، ناگزیر باید به منابع مکتوب – کتاب‌ها، نسخ و متون ارزشمندی که می‌توان تاریخ گمشده معماری و شهرسازی را از لابه‌لای سطور آن‌ها به دست آورد – رجوع کرد. نوشtar حاضر، به بررسی ویژگی‌های معماری و شهرسازی مجموعه‌های غازانیه، ربع رشیدی و سلطانیه به عنوان نمونه‌هایی از شهرهای ابواب البر ایلخانی می‌پردازد. روش این تحقیق تفسیری – تاریخی مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی است و رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است.

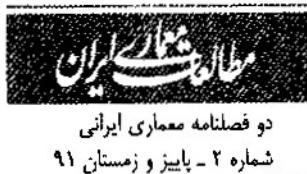
کلیدواژه‌ها

شعب غازان، ربع رشیدی، سلطانیه، مجموعه‌های ابواب البر، سازمان فضایی شهر.

* دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

** استاد دانشکده عمران دانشگاه تبریز

*** دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، توانسته مسئول / Azitaoskui@gmail.com



دانشگاه شهرکرد
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۴۷

پرسش‌های پژوهش

۱. اسناد تاریخی در زمینه شهرهای ابواب البر چه نوشته‌اند؟
۲. ساختار شهرهای ابواب البر چگونه بوده است؟

مقدمه

یکی از تحولات عمدہ‌ای که در دوره ایلخانی خود را کم کم نمایان ساخت، پرزنگ شدن دین و مسائل مذهبی در میان حاکمان ایلخانی بود تا حدی که افرادی چون غازان خان دین خود را به اسلام تغییر دادند. در عرصه‌های معماری و شهرسازی، دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های عمدہ‌ای صورت گرفت. چنین تغییر و تحولاتی، پس از ورود اسلام به ایران بی‌سابقه بود.

یکی از تحولات مهم، ظهور مجموعه‌هایی به نام ابواب البر بود. ابواب البر از نظر لنوی به معنای درهای نیکوکاری و رحمت است و در اصطلاح به مجموعه‌هایی گفته می‌شود که حکام برای رضای خداوند و طلب دعای مؤمنان به صورت موقوفاتی به وجود می‌آورند. در هسته این مجموعه‌ها، مجموعه مقبره خود واقع قرار داشت و اماکن و ابنیه دیگر در اطراف آن و در تعامل با آن شکل می‌گرفتند. (همدانی ۱۳۶۸، ۴۳؛ همان ۲۰۸، ۱۳۶۸)

آنگاه ساخت چنین مجموعه‌هایی را که اولین نمونه آن، شب غازان است، می‌توان به غازان خان نسبت داد پس از اسلام آوردن غازان خان و با درنظر گرفتن قوانین مذهبی مغولان در مورد دفن مردگان^۱، وی اولین ایلخانی بود که برای خود، مقبره ساخت. ایده اولیه احداث این مجموعه‌ها، ایجاد اماکن عام المنفعه برای مردم بود تا همان‌طور که از اسمش پیداست، آثار متاخر این باقیات در آن دنیا باب‌های بری برای سازندگان و واقفانشان باشد. (کی‌تزاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۲۲)

در متون تاریخی به وفور از احداث ابواب البرها یاد شده است که از آن جمله می‌توان به مجموعه مزار شیخ عبدالصمد، تربت شیخ جام، مدرسه - مقبره رکن‌الدین، شب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه اشاره کرد. سه مورد شب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه از نظر وسعت - ابواب البر در وسعت یک شهر - و فلسفه احداث، قابل تأمل و توجه است. مجموعه‌های ابواب البر به عنوان هسته اصلی شهر و مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده آن و تجلی عینی نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شوند. اشنایی با این مجموعه‌ها برای دست‌یابی به سازمان فضایی شهر ایلخانی که در هاله‌ای از ابهام است، ضرورت دارد.

«دونالد ولبر»، «شیلا بلر»، «برگیت هافمن»، «جود شکاری نیری» و «حمد سعیدنیا» در این زمینه، تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند، اما وجود نداشتن آثاری از آن‌ها و به تبع آن، عدم امکان مطالعات میدانی، دامنه پژوهش در زمینه شهر ایلخانی را تنگ و امکان دستیابی سریع به اسرار این شهرها را دشوار کرده است. همه این عوامل، سبب شده که تا به امروز، طرح و نقشه دقیقی از سازمان فضایی آن‌ها موجود نباشد.

خوشنختانه متابعی وجود دارد که می‌توانند در این راه به ما کمک کنند. این راهنمایان در واقع، همان کتاب‌های تاریخی و اسنادی مربوط به این دوره‌اند که در نوع خود، منحصر به فردند. از آن جمله می‌توان کتاب‌هایی از قبیل تاریخ مبارک غازانی، تاریخ اولجاچیتو، جامع التواریخ رشیدی، مکاتبات رشیدی، وقفات‌نامه ربع رشیدی و... را نام برد که هر کدام، هر چند جزئی و به صورت غیر مستقیم، ولی به هر حال، بخشی از فضاهای این شهرها را به تصویر کشیده‌اند. هدف این تحقیق، شناسایی ساختار کالبدی و اکتشاف سازمان فضایی شهرهای ابواب البر ایلخانی است. ارائه طرح فرضی بر اساس متون تاریخی در مورد این شهرها می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی باشد. هدف، نه بررسی صرفاً تاریخی، بلکه ایجاد ارتباطی ذهنی بین واقعیت‌های تاریخی این شهرها و فرم کالبدی‌شان است. راهبرد تحقیق، تفسیری تاریخی است، زیرا بر مدارک اسنادی یا منابع نوشتاری استوار می‌باشد و سؤال تحقیق به مکان و شرایطی



می‌پردازد که مربوط به گذشته است. روش این تحقیق، مبتنی بر دقت در مطالب و نکات موجود در متون تاریخی و در واقع، روش تحلیل محتواست و رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است.

تحقیق بر این فرضیه استوار است که تصویر شهرهای ابواب البر را می‌توان بر مبنای استاد تاریخی بازسازی کرد. این فرضیه بر پایه فرضیه‌های زیر استوار است:

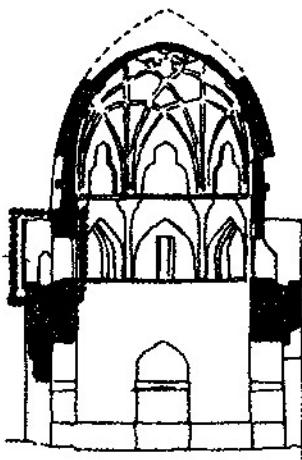
۱. در مواردی چون شب غازان، ربع رشیدی و سلطانیه که نشان کالبدی چندانی از اصل اثر معماری و شهر در دست نیست، متون تاریخی، مهم‌ترین مرجع شناسایی و بازسازی تصوری اثر است.

۲. متون تاریخی این دوره و وقف‌نامه‌ها سندی قابل اعتماد در وصف کل و جزء ابواب البرها هستند.

۳. شهرسازی در دوره ایلخانی در امتداد سنت شهرسازی در ایران است. توآوری‌های شهری در آن دوره نیز در همان امتداد، قابل بررسی است.

۱. شهرهای ابواب البر

۱-۱. شب غازان^۲ سرآغاز پدیده ابواب البر در شهرسازی

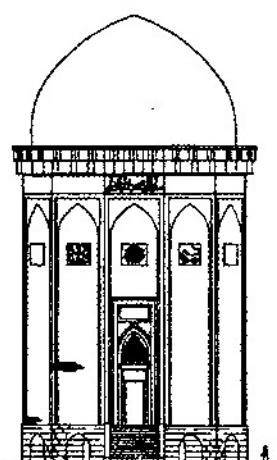


تصویر (۱) ماقبه سلطان سنجر - ترسیم نگارندهان



دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۴۹



تصویر (۲) طرح فرضی مقبره غازان خان
(تیریز ۱۳۶۵)

با استقرار ایلخانیان در ایران و تثیت قدرت آنان، شهرهای ابواب البر با عملکرد و هسته مذهبی که همان مقبره بانی بود، شکل گرفتند از سویی، برای تلفیق هرچه بیشتر کاربری‌های جانبی با این هسته و تقویت هر دو، فضاهای موقوفاتی در اطراف آن شکل گرفت. در نهایت، عملکرد مذهبی با دیگر عملکردها و به خصوص عملکرد آموزشی تلفیق گردید. خواجه رشیدالدین در تاریخ مبارک غازانی، فلسفه احداث ابواب البر را از زبان غازان خان چنین بیان می‌دارد: «... باید که شعار ما نیز بر طریق اسلامیان باشد خصوصاً چون رسوم اسلامی بسیار بهتر از آن عادات است و در اوایل حال در خراسان به زیارت مشهد مقدس توس علی ساکنه السلم و تربت سلطان پایزید و ابوالحسن خرقانی و شیخ ابوسعید ابوالخیر و دیگر اولیای آنجا روح الله رسمهم رفت و تربت‌های آن بقاع و احوال مجاوران آن مشاهده کرده و بعد از آن چون مسلمان شد، زیارت مشهد مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام و دیگر مشاهد و مزار اولیای بغداد قدس الله ارواحهم دریافت و روی فرمود که کسی که برین وجه مرده باشد، مشهد و مزار او برین گونه بود، او را چگونه از مردگان توان شمرد. این مردن بهتر از زندگانی دیگران است و هر چند ما را مرتبه صلحانیست، لیکن از راه تشبیه به ایشان ابواب البری ساختن که جای آخرت ما باشد و بدان واسطه خیری و صدقه‌ای جاری گردد تا به برکات آن، رحمت خدای تعالی دستگیری نماید و ثوابی دائمی مدخل گردد و چون در دارالملک تبریز بود آنجا اختیار فرمود و خارج شهر در جانب غربی در موضع شب خویشن طرح کشیده آن را بنیاد نهاد و این زمان چند سال است تا به عمارت آن مشغول‌اند و از گنبد سلطان سنجر سلجوقی به مرو که معظم‌ترین عمارت‌های عالم است و دیده بود بسیار باعظمت‌تر بنیاد از آن نهاده و هیئت و طرح آن بقاع و کیفیت مصارف آن خیرات برین موجب است که اثبات می‌باید و مفصل می‌گردد». (همدانی ۱۳۶۸، ۲۰۸)

در تاریخ مبارک غازانی، درباره اقدامات غازان خان در شب غازان خان اشاره به طرح اولیه شده است. (همدانی جا)
البته مقصود از طرح، طرح گنبد عالی یا مدفن غازان خان است. از این روایت به طور قیاس می‌توان ادعا کرد که کلیه اینیه شهر غازانی، دارای طرحی از پیش فراهم شده بود که هر کدام، از طرح کلی شهر تبعیت می‌کرده‌اند. این طرح کلی را می‌توان هسته مرکزی شهر دانست که بنا به گفته خواجه رشیدالدین در تاریخ مبارک غازانی، از گنبد عالی، مسجد جامع، مدارس، خانقاہ، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفا، بیت‌الكتب، بیت‌القانون، بیت‌المتوال، حوض خانه و گرمابه تشکیل یافته بود. این مجموعه را کوشک عادلیه که نزدیک بقعه یا گنبد عالی بوده و در زمان ارغون ساخته شده بود، تکمیل می‌نمود. این کوشک بعدها به محل پذیرایی زائرین بقعه غازان خان اختصاص داده شده بود. (کی‌ژداد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۲۷)

حاج خلیفه، کاتب چلبی که به سال ۱۰۴۰ هق / ۱۶۳۵ م به همراه سپاه عثمانی به تبریز آمده، شب غازان را چنین توصیف کرده است: «بناهای عظیم شام غازان مانند قلعه در میان باجچه‌ها از مسافت دور به نظر می‌رسد. سمت

بالاتر و شمال و جنوب تپه مزبور جلگه وسیعی قرار گرفته که به دریاچه ارومیه متصل می‌شود و تمام آب‌هایش بدان سمت جاری است^۳ و در همه جا خانه‌ها منقش و باشکوه و باعچه‌های ظریف صفاخشن و خلداسا و در هر طرف گلزارها و باغ‌های پر درخت و در گوشه آبهای روان و نشیمن‌های فراوان وجود دارد. کثرت وسعت باعچه‌ها به اندازه‌ای است که سپاهیان بی‌شمار آل عثمان سه روز به بریدن درختان آن پرداختند، ولی نتوانستند عشر آن را قطع کنند و در موقع کوچ باز سواد درختان مثل اول دیده می‌شد...» (جوادی ۱۲۵۰، ۱۱۸)

ابن بطوطه، سیاح معروف که در زمان ابوسعید از شب غازان دیدن کرده، نوشته است: «پس از ده روز راه‌پیمانی به شهر تبریز رسیدیم و در خارج شهر در محلی موسوم به شام منزل کردیم - قبر غازان در این محل است، بر سر قبر او مدرسه زیبایی با زاویه‌ای بنا کردند و در این زاویه برای صادر و وارد طعام داده می‌شود... امیر مراد همین زاویه که در میان آبهای روان و درختان سرسیز قرار گرفته منزل داد». (ابن بطوطه ۱۲۵۹، ۲۵۳)

شب غازان که بهتر است به صورت شهرکی در کنار شهر تبریز مورد قبول واقع شود، از طریق دروازه بغداد (نام یکی از دروازه‌های اواخر قرن هفتم تبریز) با شهر تبریز در ارتباط بوده است. ابن بطوطه در این باره نوشته است: «فردای آن روز از دروازه بغداد به شهر تبریز وارد شدیم» (همان‌جا) و «غازان خان در پشت این حصار (و دروازه بغداد) در منطقه‌ای به نام شب، دستور ساختن محله‌ای وسیع داده...». (کیانی ۱۳۶۶، ۲۵۵)

نادر میرزا در سال ۱۲۵۸ هـ ق در توصیف گنبد عالی، به کاشی کاری عمارت دیگر شب غازان اشاره دارد. سخنان وی، گفتار چلبی در مورد خانه‌های منقش و باشکوه را تأیید می‌کند (قاجار ۱۳۷۳، ۱۰۱) کیانی بر اساس مطالعات خویش، و نوشته‌ها و اسناد تاریخی معتقد است که شب غازان دارای حصار محکمی بوده که تا زمان صفوبه نیز پابرجا مانده است. (کیانی ۱۳۶۶، ۵۴۱)

زمانی که بازگانان و جهانگردان فرانسوی در سال ۱۰۴۶ هـ به ایران سفر کردند «از آن همه بنای زیبا که در شام غازان بوده، فقط برجی را دیده که میان دشت در سمت باختری تبریز قد علم کرده بود». شاردن، قریب سی و پنج سال پس از نخستین سفر تاورنیه به تبریز درباره بناهای شام غازان می‌نویسد: «غازان خان، پادشاه ایران که مقر فرمانروای اش تبریز بود، در همان جا به خاک سپرده شده است. هنوز هم منارة اعظم مخربه مقبره او پابرجاست و آن را به نام اوی، منار خان می‌گویند». (شاردن ۱۳۷۴، ۴۰۵)

این تخریب‌ها با ویرانی‌هایی که زلزله‌های متعدد به بار آورد، باعث شد که از شب غازان جز مخربه، چیز دیگری باقی نماند. شهری که نمونه بالارزشی از شیوه شهرسازی ایلخانی محسوب می‌شود، و با تفکر و اندیشه قبلی احداث شده بود. تمام سفرنامه‌ها و توضیحات، مؤید و مصدق چندین نکته‌اند که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

(الف) در کاربری‌های شهری به تمامی نیازها توجه شده است.

(ب) در عین تنوع فضایی و کاربری، به عنوان یک مجموعه کامل، تعامل اجزا با یکدیگر به عنوان یک کل منسجم مشهود است.

(ج) با وجود اجزا و بناهای گوناگون، مقبره غازان خان، بازترین بنا و عنصر مرکزی شب غازان است.

(د) طرح و نقشه شهر کاملاً فکر شده و از پیش فراهم شده است.

۱-۱. آرایش فضاهایی معماری مجموعه شب غازان

رشیدالدین، طراحی گنبد را کار خود غازان خان ذکر می‌کند: «در خارج شهر در جانب غربی در موضع شب، خویشتن طرح کشیده، آن را بنا نهاد». خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی بر اساس وقف‌نامه شب غازان، فضاهای معماری آن را شرح داده است: «عمارت گنبد عالی و ابواب البر که در دوازده ضلع آن است و کوشک عادلیه که ارغون خان ساخته است، به موجب نص واقف که در وقفیه مبارکه مسطور است...». (همدانی ۱۳۷۳، ۱۷۵)

از این توصیف خواجه چنین استنباط می‌شود که هسته شهر به شکل یک دوازده ضلعی بوده که حول مقبره خود غازان خان شکل گرفته بود.

بر اساس نوشته‌های فضل الله همدانی در تاریخ صبارک غازانی (ص ۲۰۹-۲۱۴) - که مهم‌ترین منع برای شناخت شب غازان است و جامع التواریخ رشیدی (ص ۴۱۷-۴۲۲) متعلقات گنبد عالی و ابواب البری که در حوالی و پیرامون



تصویر(۳): بنای غازان خان (فضل الله همدانی، ۱۹۷۵)

گنبد قرار دارند، به شرح زیر است: ۱. مسجد جامع ۲. مدرسه شافعیه ۳. مدرسه حنفیه ۴. خانقاہ ۵. دارالسیاده (برای پذیرایی از سادات) ۶. رصد (رصدخانه احداثی غازان خان مرکز آموزشی پژوهشی بوده است). ۷. دارالشفا ۸. بیت الکتب ۹. بیت القانون (جایی که قوانین اصلاح، تدوین و چاپ می‌شوند). ۱۰. بیت المولی ۱۱. حوض خانه ۱۲. گرمابه سبیل.

ضمائمه و فضاهای جانبی شب غازان بر اساس کتب فوق عبارت‌اند از:

- از کوشک عادلیه، نام برده شده است که امرای مغول و کسانی که برای زیارت می‌آمدند، برای خوردن آش به این کوشک وارد می‌شدند.

- به مکتبی اشاره شده است که همواره صد یتیم در آنجا به یادگیری قرآن می‌پرداختند.

- به عظمت دارالشفای شب اشاره شده که دارای طبیب و کحال بوده است.

- همچنین به اصلاح و هموار کردن معابر اشاره شده است، «راه‌ها از سنگ باک کردن» و احداث پل بر روی جوی‌های تبریز تا هشت فرسنگی آن، «پل بر جوی‌ها بستن از شهر تبریز تا به مقدار هشت فرسنگ از حوالی و جوانب آن...». (همدانی ۹۵۷، ۹۳۴)

خواجه در ادامه نوشه‌هایش، پاره‌ای دیگر از ویژگی‌های شب را چنین مطرح می‌کند:

- مردم باید آب را از حوض خانه با کوزه و سبو بردارند و نباید آب را به خانه‌های خود بکشند.

- در قسمت «رسومات» اشاره شده است که در ولایتها و جاهای دیگر از برای شب غازان وقفهایی مقرر گردیده است.

- در قسمت «وجه» اشاره شده است که ابواب البر و کوشک عادلیه (که ارغون خان آن را ساخته بود)، در دوازده ضلع گنبد عالی قرار گرفته‌اند.

غازان خان در ساخت شب غازان به نمونه ساخته‌های با اهمیت ادوار قبل نظر داشته است. رصدخانه (اقبال آشتیانی ۱۳۷۸، ۱۷۵) نیز یکی از آن نمونه‌هایی بوده که از نظر وی مخفی نمانده است. در جامع التواریخ، رصدخانه شب غازان چنین شرح داده شده است: «شبینه پانزدهم رمضان رایت همایون به مراغه نزول فرمود و تمامت را به تأثی تمام بید و از کیفیت هر یک سوال فرمود و با وجود مشکلی دقایق آن، اکثر فهم کرد و فرمود که در جنب گنبد عالی و ابواب البر شم، رصدی سازند مخصوص به چند عمل و کیفیت آن اعمال را به تقریری واضح بیان فرمود...». (همان، ۹۳۴)

۱-۲. سازمان فضایی شب غازان

با استنبط از متون تاریخی، در مجموعه شب غازان، گنبد و فضاهای پیرامونی آن، نقش هسته اصلی را داشته و سایر فضاهای پیرامون آن شکل گرفته‌اند. عناصر کالبدی شهر که نقش مهمی در شکل آن داشتند، به دو دسته هسته مرکزی و شهرستان قابل تقسیم‌اند. باغ‌های گسترش یافته در اطراف شهر نیز نقشی اساسی در توسعه آن داشته‌اند. همچنین محور «بازار غازانی»- این بوطقه در صفحه ۵۳ کتاب خویش، بازار غازان را به خوبی توصیف کرده است - که در امتداد دروازه بغداد بود در جایگیری و طراحی عناصر داخلی شب مؤثر بوده است. (کی‌نژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۲۴)

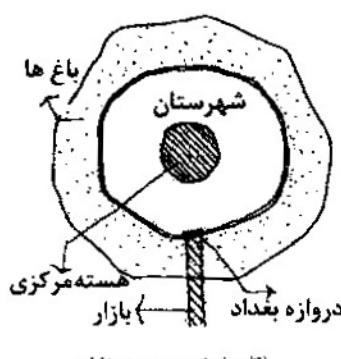
۱-۲. ربع رشیدی ابواب البری متعالی در شهرسازی ایلخانی

خواجه رشیدالدین که در زمان غازان خان در اوج اقتدار و قدرت بود، به پاس نعمتی که در اختیار داشت، دست به اقدامات سازنده‌ای زد که نمونه آن، شهری در آخر محله ششگلان تبریز که به محله باغ میشه و ولیان کوه متنبه می‌شود، در دامنه کوه سرخاب بود که ربع رشیدی نام گرفت. حمدالله مستوفی درباره این شهر می‌نویسد: «شهرچهای بود در شمال شرقی تبریز در دامنه ولیان کوه که اکنون آن را سرخاب گویند و رشیدالدین در آنجا عمارت فراوان و عالی برآورده و پسرش وزیر غیاث الدین بر آن عمارت بسیار افزوده». (مستوفی ۱۳۷۸، ۸۵-۸۶) بعضی از مورخان معاصر چون دونالد ویلبر، آن را به عنوان یک شهر دانشگاهی معرفی کرده‌اند. کلاویخو، جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه خود، از آن به عنوان بزرگ‌ترین و عظیم ترین بنای زمان یاد کرده است. (کلاویخو ۱۳۶۶، ۲۳)



دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

۵۱



تصویر (۴) سازمان شهر شب غازان
ترسیم نگارندگان

شرح کاملی از این شهر فرهنگی از زبان رشیدالدین در نامه‌ای که به فرزندش خواجه سعدالدین نوشته، بیان کرده است: «پنجاه نفر طبیب حاذق که از اقصای بلاد هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده بودند، همه آن‌ها را به صنوف رعایت و الوف عنایت مخصوص گردانیدیم و گفیم که هر روز در دارالشفای ما تردد نمایند و پیش هر طبیب، ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا این فن شریف مشغول گردند و کحالان و جراحان و مجرمان که دارالشفای ماست به قرب باغ رشیدآباد^۴ که آن را معالجه معالجان خوانند، بنیاد فرمودیم». (همان، مکتب ۵۱) چنان‌که از مقاد نامه نیز به خوبی معلوم می‌شود، ربع رشیدی، کتابخانه بزرگی داشت (مشکور ۳۰۶، ۱۳۷۲) و کشت خیلی از گیاه‌ها در باغ‌های نمونه آن مورد آزمایش قرار می‌گرفت. (کارنگ ۱۳۵۱، ۱۳۶۳) در این شهر مانند شب غازان، ایجاد فضای سبز از نظر دور نمانده بود و باغ رشیدآباد که دارالشفا در قرب آن ساخته شده بود، نمونه‌ای از آن فضاهای می‌باشد.

«ربع رشیدی که در زمان مفارقت و اولن میاعدت آن^۳ فرزند عزیز، طرح انداخته و تهیه اسباب عمارت آن ساخته بودیم، اکنون به میامن قدوم علماء و یمن همت فضایل به اتمام پیوست و بیست و چهار کاروانسرای رفیع که چون قصر خورنق منبع است و به رفعت بنا از قبة مینا گذشته و هزار و پانصد دکان که در ممتاز بنیان از قبه حرمان، سبقت برده، و سی هزار خانه دلکش^۵ در او بنا کردایم و حمامات خوش هوا و بساتین باصفا و خوابین و طراحین و کارخانه‌های شعریافی^۶ و کاغذسازی و دارالضرب و رنگ‌خانه و... احداث و انشا رفتة». (همدانی ۱۹۴۵، مکتب ۵۳)



تصویر (۵): دروازه ربع رشیدی، در دوره قاجاریه، ارشیو مجتمع ربع رشیدی



تصویر (۶): طرح بازار آفرینی ابواب البر رشیدی (بلالی اسکویی و کی نژاد و بلالی اسکویی ۱۳۸۹، ۱۳۶۹)

تصویر (۷): طرح بازار آفرینی ربع رشیدی (بلالی اسکویی و کی نژاد و بلالی اسکویی ۱۳۸۹، ۱۳۶۹)

این شهر از کوچه و محله‌های مختلف تشکیل یافته بود. هر محله یا کوچه به صنف یا طبقه‌ای اختصاص داشت. علما و دانشمندان، طلاب و دیگر پیروان علوم عقلی دارای محله‌ای خاص بودند. «از هر شهری و ثغری جماعتی آورده‌یم و در ربع مذکور ساکن گردانیدیم؛ از جمله در دارالقرآن، دویست نفر حافظ قرآن و از علماء و فقهاء و محدثان چهارصد نفر و از طالبان علم هزار نفر در آنجا مقیم ساختیم و برای همه آنان، وجه معاش و مقری معین...». (همدانی ۱۳۶۳، مکتب ۵۳)

خانقاہ، یکی از فضاهای اصلی کالبد و سازمان فضایی ربع رشیدی است که هم به لحاظ موقعیت جایگیری و هم به لحاظ فلسفه قرارگیری اش در ربع رشیدی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده است. در تاریخ مبارک غازانی از ساختن خانقاها در کلیه شهرها سخن به میان آمده و با توجه به تصريح صاحب السیر که می‌گوید: «به موجب فرمان او در جمیع قری و قصبات ولایت عراقین و فارس و کرمان و آذربایجان... خوانق ساختند». (خواندمیر ۱۳۳۳، ۲۰۱/۱) از این سند و از تاریخ مبارک غازانی، رونق کار صوفیان در روزگار غازان خان به خوبی معلوم می‌شود: «و چون خانقاہ و مدارس و مساجد و دیگر ابواب البر در هر موضعی می‌ساخت و اوقات معین می‌فرمود و وظایف و مشاهرات هر طایفه در نظر آورد و فرمود که چگونه است که از آن فقهاء و متصوفه و دیگر طوایف هست و از آن سادات نیست». (همدانی ۱۳۶۸، ۱۹۰) در صفوۃ الصفا از آمدن شیخ صفی‌الدین اردبیلی به تبریز و نزول او به خانقاہ رشیدیه یاد شده است. (ابن بزار اردبیلی ۱۳۷۳، ۲۹۱)

این شهر چون دیگر شهرهای سنتی ایران، جهت حفاظت دارای حصاری بوده است. (کیانی ۱۳۶۶، ۵۴۶) متأسفانه این شهر در سال ۷۱۸ هق در زمان ابوسعید و به دسیسهٔ تاج‌الدین علیشاه که از زمان اولجاتیو در کار وزارت با

خواجه رشیدالدین مشارکت داشت، ویران گردید. این واقعه را مینورسکی چنین آورد: «در ۷۱۷ هق/ ۱۳۱۷ م، زمان ابوعسید، رشیدالدین وزیر مستعفی به تبریز رفت، اما سال بعد برای روبهرو شدن با قضای محترم آنجا را ترک گفت، املاک او مصادره و ربع رشیدی تاراج گردید. (مینورسکی ۲۵، ۱۳۷۷)



تصویر (۸): طرح بازاری شهرستان رشیدی
(کی نژاد و اسکوپی، ۱۳۹۰، ۲۱۴)

نوشته‌های مورخان مختلف (شاردن ۱۳۷۴، ۹۷۶؛ حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۲۳۱ و...) به حیات دوباره و توسعه ربع رشیدی بعد از وزارت خواجه غیاث الدین فرزند خواجه اشاره دارد که ساخت و سازهای جدید در فضاهایی که قبلاً باع بودند و خواجه آن‌ها را برای برنامه توسعه آتی ربع رشیدی مدنظر قرار داده بود، اشاره دارد. البته این رونق در کنار حیات شهر شب غازان و توسعه تبریز انجام گرفته است. در حقیقت، ربع رشیدی و شب غازان چه در زمان ساخت و چه در ادوار بعد به صورت شهرک‌هایی در کنار شهر تبریز پدید آمده بودند. وجود این شهرک‌ها هرگز باعث بی‌رونقی شهر تبریز نشد، بلکه این شهر تبریز بود که به آن‌ها رونق می‌بخشید.

۱-۲-۱. سازمان فضایی شهر ربع رشیدی

پژوهش‌های انجام یافته در زمینه شهر ربع رشیدی، طرح آن را برگرفته از سازمان شهر ایرانی - اسلامی با پاره‌های تفاوت و نوآوری‌های جدید، بیان کرده است. تا به امروز، الگوی سازمان فضایی این شهر، همچون شهر ایرانی ترکیبی از ربع، ریض و شهرستان و نوآوری نهفته در آن، جابجایی ریض و شهرستان در نظر گرفته شده است.^۷ با توجه به متون تاریخی و مهمندانه آن، بر اساس نوشه‌های وقفنامه و تقسیمه‌بندی کلی فضاهای مجموعه ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین، می‌توان به ارائه سازمان فضایی شهر به دو صورت زیر و یا تلفیقی از آن دو پرداخت: ۱. «ربع» و «شهرستان»: با مطالعه دقیق وقفنامه مشاهده می‌شود که تمامی فضاهای تحت عنوان دو مجموعه کلی ربع و شهرستان دسته‌بندی و بیان شده‌اند.^۸ ریض در سازمان فضایی شهر ربع رشیدی جایگاه پیشین خود را نداشته و طبق نوشه‌های وقفنامه، زیرمجموعه‌ای از شهرستان و یا به بیان بهتر، محله‌ای از محله‌های شهرستان است که به قشر خاصی از مردم تعلق ندارد.^۹ همچنان که متولی، مشرف و ناظر در ریض ساکن‌اند^{۱۰}، بسیاری از غلامان، بخش‌های مختلف ربع و باغات نیز در آن مسکن دارند.^{۱۱} ریض و شهرستان در این شهر با هم تلفیق شده‌اند. واژه‌های ریض بالا و ریض پایین نیز که در وقفنامه ذکر شده‌اند، صرفاً اشاره به دو محله دارد که یکی از نظر ارتفاع، در مکان بلندتری نسبت به دیگری قرار گرفته است.

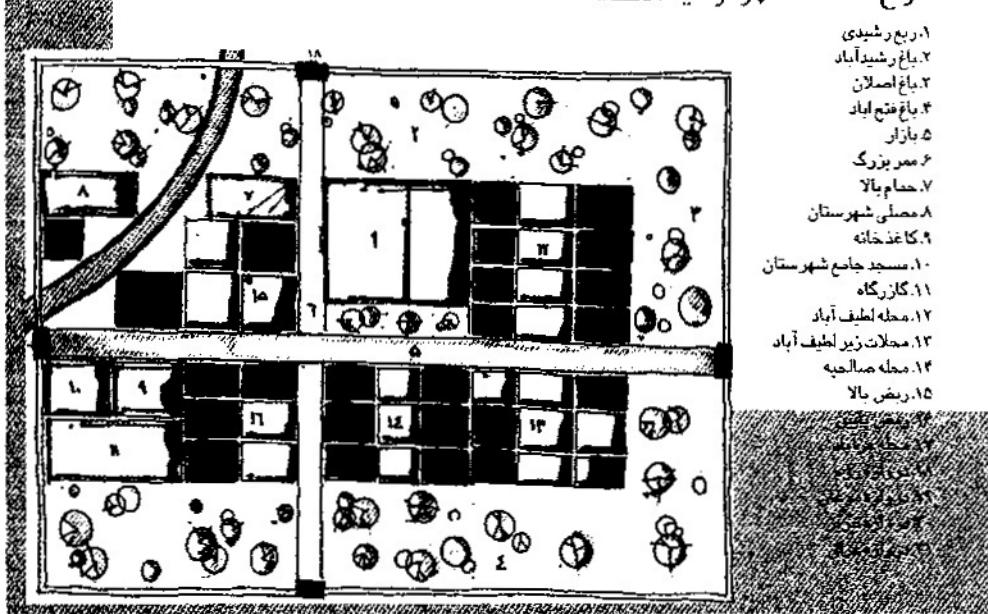
۲. محور بازار و «مرمر بزرگ» - در لغتنامه تاریخ جهانگشای جوینی، مرمر به معنای گذرگاه و محل مرور آمده است -: ساختار این شهر از پیش طراحی شده و شطرنجی بوده است. از طرفی، اهمیت تجارت و بازارگانی در دولت ایلخانی سبب توجه بیشتر به دروازه‌ها، جهت قرارگیری و حتی افزایش تعداد آن‌ها در شهرها شد. قابل ذکر است تعداد دروازه‌ها در شهرهای ایلخانی حداقل چهار دروازه - نه صرفاً در جهات اصلی بلکه به سمت شهرهای مهم پیرامون و در راستای شکل گیری بازارهای خطی - بوده است. در شهرهای شطرنجی، دروازه‌ها دو به دو - معمولاً به شکل عمود بر هم - به یکدیگر متصل، و سبب به وجود آمدن بافتی منظم و محورهای قوی سازمان‌دهنده در شهر می‌شوند.

در ربع رشیدی نیز شاهد حضور دو محور اصلی - امتداد محور دروازه‌های روم، عراق و محور دروازه‌های تبریز، مغان هستیم.^{۱۲} این محورها معيار قرارگیری سایر فضاهای شهری در اطراف خود هستند و بازار نیز در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه‌ای تا دروازه دیگر می‌پیماید.^{۱۳}

هر چند که بازار، عنصری مهم در ربع رشیدی است، اما در سازمان فضایی شهر توانسته خود را آن چنان که شایسته است، به هسته مرکزی برساند، بلکه در تعاملی قوی با شهرستان به عنوان کانون فعالیت‌های اجتماعی مطرح است. همچون گذشته، محل تقاطع این دو محور به عنوان مکانی مهم در سازمان فضایی شهر مطرح می‌شود. با این تفاوت که هسته شهر نه در این مکان بلکه در مجاور آن - با عناصر روپه، خانقه و دارالشفا - حضور می‌یابد.

در این شهر به هسته مرکزی (ربع) بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری‌های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق می‌شود. باغ‌ها - رشیدآباد^{۱۴}، اصلاح^{۱۵} و فتح آباد^{۱۶} - نیز در اطراف شهر، به عنوان عناصری مهم و شکل‌دهنده، حضوری قوی داشته‌اند.

طرح کلک شهر «رشیدیه»



تصویر (۹): سازمان فضایی ربع رشیدی ترسیم نگارندگان.

ربع رشیدی، شهری با حصاری در پیرامون بوده که با چهار دروازه به اطراف راه می‌یافتد. «ربع» هسته مرکزی و اصلی شهر بوده که خود دارای بارو و ورودی جداگانه^{۱۷} در یکی از محورهای اصلی شهر و نزدیک محل تقاطع آنها و دارای عملکردهای آموزشی، مذهبی و درمانی بوده است.^{۱۸} ربع انکاسی کالبدی و ملموس از یک تفکر علمی - مذهبی بوده است.

«شهرستان» رشیدی از محله‌های مختلف، تشکیل یافته بود و عناصر مهم شهری مانند بازار، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، کارخانه کاغذسازی، رنگ‌سازی، ضرابخانه و گازرگاه در آن قرار داشته‌اند.^{۱۹} بین نیز محله‌ای از محله‌های شهرستان بوده است. یافت شهر دارای نظم هندسی بوده و به شکل یافت شترنجی و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راه‌ها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایی‌شان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاهای و فعالیت‌ها در شهر، تابع نظم و سلسله مراتب سنتجیده شده بود و تمامی فضاهای از لحاظ کارکردی، کالبد مناسبی را برای زندگی (بودن در محیط) فراهم کرده بودند. (کی نژاد و اسکویی ۱۳۸۹، ۷۱)

۱-۳. سلطانیه ابواب البری دیگر در شهرسازی ایلخانی

حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ، تحت عنوان «ذکر عمارت سلطانیه و بنای قلعه» از این چمن صحبت به میان آورده و گفته است: «یک روز سلطان اولجایتو نشسته بود و امرا و ارکان دولت حاضر بودند. فرمود یک روز، پیش پدر خود پادشاه ارغون که از پادشاهان گیتی به داد و عدل و دانش ممتاز بود، حاضر بودم. او را داعیه عمارت سلطانیه بر خاطر خلوص کرده بود و فرمود: همچنان که من پادشاه جهانم، می‌خواهم شهری بنا کنم که آن شاه بlad بود. جماعتی که حاضر بودند، بس موضع نام بردند و هر یک از آنچه از عیب و هنر دانستند، باز نمودند. آخر الامر، موضع قنقرالانگ (قنقوراولونک) اختیار کردند که بیلاقی به غایت متنزه است و قرای بسیاری در حوالی آن و مرغزارهای بسیار...». (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۷)

طبق نوشته اکثر مؤرخان از جمله حمدالله مستوفی، حافظ ابرو، شمس الدین محمد آملی، وصف و... منطقه سلطانیه و بالاخص چمن سلطانیه در دوره مغول تا زمان سلطنت ابوسعید به قنقرالانگ معروف بوده است.

بر اساس گفته حافظ ابرو به نقل از سلطان اولجایتو، انتخاب محل سلطانیه یا قنقرالانگ به دنبال مشورتی انجام شده که با جماعتی از اطرافیانش داشته است: «حاضرین هر یک را آنچه از عیب و هنر دانستند، باز نمودند». با تصویب قنقرالانگ، ارغون «فرمان فرمود تا طرح شهر برکشیدند».



تصویر (۱۲): سلطانیه، طرح لوئی دوبو
(کیانی ۱۷۶، ۱۳۶۶)



تصویر (۱۱): سلطانیه، تصاویر سفرنامه فلاندن، آرشیو موزه آذربایجان



تصویر (۱۰): سلطانیه، تصاویر سیاحت‌نامه شاردن، آرشیو موزه آذربایجان



تصویر (۱۴): سلطانیه، طرح دوکوتبوکه (همانجا)



تصویر (۱۲): گنبد و بناهای مجاور آن، طرح لوئی دوبو (همانجا)

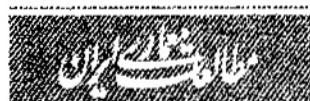
در این قسمت، به یکی از اساسی‌ترین مفاهیم شهرسازی ایلخانی که در بیشتر شهرهایی که به دستور شاه ساخته شده، می‌توان آثار آن را مشاهده کرد. یعنی با طرح از پیش اندیشیده و تعیین شده آن می‌توان بی‌برد که این موضوع را به وضوح در بافت هندسی شهرها می‌توان ملاحظه کرد.

ساختمان شهر سلطانیه بر اساس نقشه‌ای از پیش طرح شده و بر مبنای شهرهای سنتی ایران شروع شده بود. این منطقه با تمام نیازهای زندگی مغولان سازگاری داشت (اشپولر ۱۳۸۴، ۵۷) و در دوره ارغون، جزو مناطق ویژه و توقفگاه‌های مطلوب چادرنشینان مغول به شمار می‌آمد. انگیزه دیگری که در ساخت شهر سلطانیه گفته شده است، تفکر به یادگار گذاشتن نام نیکو و حیات جاودانی از طریق ساخت بناهای ماندگار بود. (حمزه‌لو ۱۳۸۱، ۴۴)

در شروع ساخت شهر قرقراولانگ، سنت فرم گیری شهرهای ایران از چشم معماران و مهندسان آن دوره پوشیده نبوده است. آن‌ها می‌دانستند که یک شهر نیاز به یک کوهندز یا قلعه دارد، لذا قلعه‌ای در دل شهر بنیاد نهادند.^{۲۰} این شهر دارای یک حصار بیرونی و یک دز مستحکم و قلعه درونی^{۲۱} بود. (بلر ۱۳۸۲، ۱۵) بر اساس توضیح ابرو، متوجه اهمیت هندسه و رعایت آن در معماری و بناهای ایلخانی می‌شویم، زیرا همان‌طور که او اشاره کرده، قلعه از مربعی شکل می‌گیرد که به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ این مسئله، نشانگر اهتمام مغولان به رعایت نظم و هندسه در معماری‌شان بوده است.

ابوالقاسم کاشانی - موخ دو دهه نخست قرن هشتم هجری (معاصر الجایتو) - می‌نویسد: «ابواب البری مشتمل بر چند مواضع عالی از مدارس و خانقه و دارالسفا و دارالضیافه و دارالحفظ و غیر هم تا نوزده عمارت به عدد حروف...». (۱۳۴۸، ۴۸)

حافظ ابرو می‌گوید: «سلطان الجایتو از برای مدفن خود در اندرون عمارتی ساخته است و آن را ابواب البری نهاده و گنبدی مشمن بزرگ عالی که قطر آن سخت گز است در غایت تکلف و ارتفاع آن، صد و بیست گز چنان که در اقصی بلاد عالم مثل آن عمارتی عالی نشان نمی‌دهند. و متصل آن گنبد، چند عمارت عالی ساخته است. مسجدی به تکلف و دارالضیافه و دارالسیاده و موقوفات بسیار بر آن وقف کرده و سرای به جهت خاصه خود در اندرون قلعه ساخت، چنان که صحن^{۲۲} سرا را صد درصد نهادند و صفة عالی^{۲۳} بر مثال ایوان کسری و دوازده سرایه در حوالی آن متصل سرا، از هر یک پنجه دری به صحن سرای بزرگ گشوده و صحن آن را از سنگ مومر فرش اندخته و دیوان خانه بزرگ که دو هزار آدمی در آن گنجید و آن را کریاسی^{۲۴} نام کرده‌اند و غیر اینها که ذکر کرده شد، پادشاه و امراء عمارت بسیار در اندرون قلعه کرده‌اند». (۱۳۵۱، ۶۹)



در کتاب *تفایل الفنون می خوانیم*: «... گرد آن، بارویی مربع شکل ساخته... الجایتو برای مرقد خود گنبدی بس عالی... و در حوالی آن، ابواب خیر از جامع و خانقاہ و مدارس و دارالسیاده و دارالضیافه که هرگز مثل آن در جهان کس ندیده و نشنیده، بفرمود...». (املی ۱۳۷۹، ۲۹۵-۲۹۶)

از مجموع گفته مورخان، چنین نتیجه گرفته می شود که دوازده مورد از فضاهای این مجموعه عبارت اند از: گنبد سلطانیه، مدارس، دارالشفا، دارالضیافه، دارالحفظ، دارالسیاده، مساجد، خوانق، دار القرآن، دارالحدیث و بنای کربلاسی. علاوه بر این، بنها، سرای مخصوص و دوازده سراچه دیگر را هم باید نام برد.

حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ رشیدی در «ذکر عمارت شهر سلطانیه و بنای قلعه آن» از خانقاہ سلطانیه اسم برد است. (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۲۲۳) «در اینجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی، دو مناره بزرگ که بر دو طرف ایوان آن و در عمارت مدرسه و دارالشفا و خانقاہ هر یک با موقوفات بسیار و تاکنون (یعنی زمان حافظ ابرو) بعضی از آن عمارت باقی است». (مرتضوی ۱۳۷۰، ۳۱۸) خانقاہ از عناصری در دوره ایلخانی است که بسیار سریع مورد توجه حکام و حکومت‌ها قرار می‌گیرد تا جایی که شاهدیم در تمامی شهرهای جدید التأسیس، ساخت خانقاہ نیز در دستور کار قرار دارد.

شهر سلطانیه که پایتخت و مرکز تجارت و سیاست ایلخانان مغول بوده، نیاز به محله‌ها، خیابان‌ها، میدان‌های متعدد، بازار، مسجد جامع، مدرسه... داشته است. کلاویخو، عضو هیئت سه نفره سفارشات در دربار امیر تیمور، در سفرنامه خود که بعد از سال ۸۰۹ هـ / ۱۴۰۶ م نوشته، اطلاعات ذی قیمتی از بافت شهر سلطانیه را در اختیار می‌گذارد. وی می‌نویسد: «شهر سلطانیه در دشتی است و از میان آن‌ها کانال‌های بسیاری پر از آب می‌گذرد. در آنجا خیابان‌ها و میدان‌های زیبا که در آن‌ها کالاهای بسیار برای فروش عرضه شده است، وجود دارد. در همه محلات، مهمان خانه‌هایی برای آسایش بازرگانانی که به آن شهر می‌آیند، دیده می‌شود». (کلاویخو ۱۳۶۶، ۱۲۰)

در این بخش، کلاویخو به وجود کاروانسراها اشاره می‌کند و از وجود فضاهای باز بزرگی که وی آن‌ها را «میدان» می‌نامد، خبر می‌دهد. با قبول سخنان کلاویخو، این تصور پیش می‌آید که خیابان‌بندهای شهر از روی اسلوب و هماهنگ ارک سلطانیه و با یک شبکه هندسی دقیق طرح‌ریزی شده است. با توجه به روایات باقیمانده از مستحدثات جلوی دروازه ارک می‌توان ادعا نمود که یکی از معتبرترین خیابان‌های شهر در راستای این دروازه قرار داشته است. (کی نژاد و اسکویی ۱۳۹۰، ۱۶۱)

در پیشگاه دروازه و به احتمال زیاد در کنار معبر مذکور، خواجه تاج‌الدین علیشاه، عمارتی مجلل به نام بهشت بنا کرده بود (کیانی ۱۳۶۶، ۵۵۵) که بنا بر تاریخ الجایتو: «بر پیشگاه قلعه عمارتی خلدائین بنا افکنده، سقوف آن همه مفضض و در و دیوار آن به ذر طلی و در و گهر مرصع و سطوح صحن آن از لعل و جواهر و فیروزه ملمع و از عود و ساج و زر و ابیوس و عاج تختی مرصع، در شاه صفحه گسترده منقش مرصع مفضض که اشکال تماثیل و تصاویر و تعاریج آن در زبان کلک و بیان قلم نگنجد و دیده از رشك آن سر شک معصغری بر گلکونه مزعفری ریزان...». (کاشانی ۱۳۴۸، ۷۲)

کاشانی در جای دیگر می‌نویسد: «از غایت خوشی و خرمی، نام آن بهشت نهاده...». (همان، ۷۸) از بناهای دیگر این معبر، ایوان سلطان ابوسعید است. (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۲۹۸) نکته قابل توجه این است که بناهای عمومی و همچنین ساختمان‌های مهم شهر با استناد به متون تاریخی، در کنار معبر اصلی قرار داشتند. این معبر که نقش مهمی در ایجاد بافت شطرنجی شهر یا به بیانی دیگر، سازمان بخشیدن به سایر عناصر و فضاهای شهر دارد، از دروازه ورودی شهر شروع می‌شد و عموماً تا دروازه دیگر امتداد داشت.

بنا بر دستور سلطان محمد خدابنده، «اما و وزرا و ملوک و سلاطین و ارباب اعمال و اصحاب اشغال هر یک به قدر مکنت و اندازه طاقت و پایه منزلت و مرتبت در عرصهٔ حلقه شهر حوالی قلعه دور متسعه و قصور مرتفعه و ایوان‌های کسری و طارم‌های خسروی» (کاشانی ۱۳۴۸، ۷۸) ساختند و به دستور خواجه رشیدالدین، وزیر اول‌جایتو، در شهر سلطانیه محله‌ای ساختند «چنان که در آنجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی و دو مناره بزرگ بر دو طرف ایوان آن و در آن عمارت مدرسه، دارالشفا و خانقاہ...» (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۴۹) و برای نگهداری اینیه مذکور موقوفات بسیاری را تعیین فرموده بود. به گفته ابرو، بعضی از این اینیه تا قرن نهم هجری وجود داشته است. (همان،



تصویر (۱۵): سلطانیه (تصویر مطابقی)
(۹۱، ۱۳۷۹)



تصویر (۱۶): سلطانیه (همانجا)



دو فصلنامه محاسب ایرانی
شماره ۲ - پائیز و زمستان ۹۱

(۷۰) در مدرسه، دارالشفا و خانقاہ خواجه رشیدالدین، مدرسان و طلاب و اطباء مشغول بوده (خواندمیر ۱۳۳۳، ۴۲۸) و بنا بر گفته میرخواند از موقوفات مذکور استفاده می کرده‌اند. به گفته حافظ ابرو «دارالشفایی دیگر با اطباء و ادویه و مجموع مایحتاج و مدرسه عالی به نمونه مستنصریه بغداد» به دستور اوجایتو ساخته شد. (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۹) فضای آموزشی همان‌طور که قبلانیز اشاره شد، به عنوان عناصر فضایی کاملاً مهم در شهرها مطرح می‌شوند. از این میان، دارالشفا (مدارس و اماكن پزشکی) و خانقاہ (اماكن مذهبی برای تهدیب نفس) بسیار پررنگ‌تر در شهرها رونق می‌یابند و بازار^{۲۵} به عنوان یکی از معابر شهر و حتی شاید از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که در میان محله‌های شهر حرکت می‌کند.

۱-۳-۱. سازمان فضایی شهر سلطانیه

به طور کلی، در مورد سازمان فضایی سلطانیه با استنباط و تحلیل از متون تاریخی، می‌توان طبقه‌بندی زیر را انجام داد که سلطانیه نیز مانند دیگر شهرها و مجموعه‌های ابواب البر، از دو بخش «هسته» و «شهرستان» تشکیل شده و سایر عناصر در تقسیم‌بندی، از اهمیت و جایگاه پایین‌تری نسبت به این دو قرار دارد.

- هسته اصلی شهر، قلعه‌ای بوده (مربعی) که عنصر سازمان دهنده شهر محسوب می‌شده است.

- شهرستان، دیگر عنصر مهمی بود که پیرامون این قلعه شکل گرفته بود.

- دسترسی‌ها و محورهای ارتباطی در طول و عرض شهر، به صورت عمود بر هم و از قبل طراحی و برنامه‌ریزی شده، به شهر نظمی هندسی، پخشیده بودند. مهم‌ترین این محورها عبارتی، در راستای دروازه و آرگ بود.

- بازار نیز به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری، عمومی، آر-قبا، کار-انس اها و امون، اب، عنص شکا، گرفته بودند. (که نزد اسکو، ۱۳۹۰: ۶۴)

تصویر (۱۷): شهر سلطانیه ترسیم نگارندگان

ویرگی‌های شهرهای ابواب البر ایلخانی

نام احداث	حدود زمانی بانی	مساحت	عملکرد فضایی و عناصر شهری بر اساس منون	سازمان فضایی ابوبالبر شکل کلی ساختار شهر
شنبه غاران	با پیریزی در سال ۶۷ هق و عملیات ساخت در قرن هفتم هجری قمری	غاران خان	-	سازمان فضایی شهر مشتمل از هسته مرکزی و شهرستان بونه و محور «پلار غاران» در استانهای حکمیه، در انشا بیت الکعب، بیت القانون، بیت المتنول، حوض خانه، گوامیه سبل، کوش و باغی اعلا و مژوار بوده است.
ربع رشیدی	قرن هشتم هجری قمری	خواجه رشیدی	۱۲ هکتار که تا به لرزو ناشناسی هدایت شده است	سازمان فضایی شهر مشتمل از فربع و «شهرستان» بوده و دو محور عمود بر هم محور بازار و «نصر بزرگ» محورهای قوی سازمان دهنده در شهر بوده و سبب پموده امنی بافتی منظم شده اند.
سلطانیه	با طرحی اولین توسعه ساکریتها در قرن هشتم قبل از میلاد و توسعه در قرن هشتم	بر اساس اصلی و ساخت	آرامگاه الجایتو (گنبد سلطانیه)، قلعه شامل یک دروازه و شانزده نشکل شده و درسی ها و محورهای ازناتی در طول و عرض شهر، به صورت عمودی عرض، دارالقرآن، دارالحدیث، بنای کریسان، سوای مخصوص، حمامها، کلاروسراها، هشت پشت، عمارت عالی از جمله چهل آنلو و در شهر مطریح بوده است.	سازمان فضایی شهر مشتمل از دو بخش «هسته» و شهرستان تشکیل شده و درسی ها و محورهای ازناتی در طول و عرض شهر، به صورت عمودی عرض، دارالقرآن، دارالحدیث، بنای هندسی بخشیده بودند، بازار بزرگی عنوان یک محور خطی و لصلی برای هر کدام از بخش های شهرستان بودند، مسجد جامع، مدارس، دارالسیاده، حصارخانه، حکمیه، در انشا بیت الکعب، بیت القانون، بیت المتنول، حوض خانه، گوامیه سبل، کوش و باغی اعلا و مژوار بوده است.

۱-۴. تحولات شهرسازی در دوره ایلخانی با استنبط از متون تاریخی

پس از حمله مغول‌ها به ایران و ویران کردن بسیاری از شهرهای آن، معماری این مرز و بوم که کم کم به رشد و شکوفایی می‌رسید و در عرصه‌های مختلف شهرسازی نیز تجربیات و موقوفیت‌های چشم‌گیری به دست آورده بود به یک باره با خاک یکسان شد.

اما پس از اینکه مغولان بر مستند قدرت تکیه زدند، به فکر جبران این خرابی‌ها و آباد کردن دوباره ایران افتادند. تمرکز و علاقه آنان بیشتر به ساخت شهرهای جدید و به وجود آوردن مجموعه‌های نوساخته بود تا بازسازی شهرها و مناطق ویران شده. شاید دلیل آن را بتوان در دو مسئله جستجو کرد: از سویی همچنان که غارتگری و ویران کردن، یک نوع امتیاز و شهرت برای آنان به حساب می‌آمد؛ ساخت و ساز نیز خود، نوعی اشتهرارا به همراه داشت. از سویی دیگر، قوم مغول، کوچنشینان و چادرنشینانی بودند که به این فرهنگ عادت داشتند و این نوع زندگی در تمام وجوده حکومتشان به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های این فرهنگ، نخست حرکت و سکنی گزیندن در جاهای مختلف است. دومین ویژگی که شاید از اولی مؤثتر در این مسئله ظاهر می‌شود، علاقه آنان به دشت‌های خرم خوش آب و هوا و خوش‌منظر بود. تا زمان حکومت ارغون، کوشش عمده ایلخانان، سرکوب مدعايان و تحکیم سلطنت بود و می‌توان گفت فرصتی برای ساخت و ساز و زدودن زنگار زشت و ویرانی وجود نداشت. روند شهرسازی بیشتر از زمان هولاکوخان و از مراغه آغاز شد که توسط غازان خان به تبریز- غازانیه و ربع رسیدی تسری یافت و سرانجام در سلطانیه و در زمان حاکمیت اولجایتو به اوج شکوفایی خود رسید.



تصویر (۱۶) شکل به خوبی نوع زندگی مغولان، چادرها و ارایه‌های آن‌ها را نشان می‌دهد [بیرا ۳۲، ۱۷۰].

هولاکو پس از ویرانگری‌های پیشین دریافت که شناخت هویت سیاسی اجتماعی حاکمیتش با رشد فعالیت‌های عمرانی، عملی خواهد شد. هولاکوخان دستور داد تا تعدادی از شهرهای ویران شده مانند خبوشن (قوچان) را عمارت کنند و برای خود او نیز کاخی زیبا بسازند. سپس دستور داد با صرف مبالغی هنگفت، رصدخانه‌ای در مراغه بسازند. در واقع، ساخت رصدخانه مراغه، آغاز حرکت معماری در دوره ایلخانی به شمار می‌رود. (سمرقندی ۱۳۸۲، ۳۷۹)

یکی از مسائلی که در این دوره بسیار رونق یافت، ساخت مجموعه‌ها و شهرک‌های اقماری است که عموماً رویکردی مذهبی داشتند. البته با توجه به شهرک‌هایی که به تدریج از اوایل قرن اول میلادی تا اواخر قرن ششم میلادی و بر اساس نیاز در اطراف شهر تیسفون ایجاد شدند و در نتیجه هفت شهر مداری را تشکیل داد می‌توان گفت که ایده ایجاد فضای زیستی یاری رساننده به کلان شهری چون پایتخت، قبل‌ها نیز وجود داشته، ولی باید دقت کرد که فلسفه وجودی رونق این شهرها در این عصر با دوره‌های قبل متفاوت بوده و بیشتر بعد مذهبی - علمی در آن‌ها تبلور داشته است.

همچنین در این دوره، توجه به محدوده شهر اهمیت یافت. امرا و حکما با ساختن برج و بارو به دور شهرها در سامان‌دهی سیاسی اجتماعی فضای داخل شهرها همت فراوانی نمودند. نکته‌ای که در اینجا قابل تأکید است، دقت به نظم حیطه‌های شهری و وحدت بخشیدن به آن‌هاست. در این خصوص، قرار گرفتن حمام‌ها و کاروانسراها در مدخل شهر، محوری بودن جاده اصلی و قرار گرفتن بازارها و معابر مهم در امتداد آن را می‌توان نام برد. هر چند که شهر حول اماکن مذهبی شکل می‌گرفت، ولی ساختن کاخ‌ها و بناهای مهم رونق یافت.

توجه به مذهب در دوره‌های قبلی نیز وجود داشت، اما این مسئله در دوره ایلخانی بیشتر جلوه نمود و ساختمان‌های مذهبی زیادی در این دوره ساخته شدند. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در این دوره رخ داد، افزایش گرایش‌های مذهبی در میان حکام بود. ساخت مساجد، مدارس، زیارتگاه‌ها و مقابر بر ساخت و سازهای تزئینی و کاخ‌سازی روحانی داده شد و گونه جدیدی از فضاهای شهری که بیشتر با همین گرایش در شهرهای دوره ایلخانی برای اولین بار شکل گرفت، دارالسیاده‌ها^{۲۶} بودند. این فضاهای شهری برای اولین بار در شب غازان و سلطانیه به وجود آمدند. گسترش

مقابر نیز در این دوره مشهود است. برخلاف دوره‌های پیشین که بیشتر با تک مقبره‌ها مواجهیم، در شهرسازی ایلخانی مجموعه‌ای منظم و سازمان‌دهی شده داریم که مقبره، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، به طوری که مقبره با محیط اطراف خود تعریف می‌یابد.

گرچه سابقه وقف در اسلام طولانی است، این اولین باری بود که یک مجموعه کامل موقوفاتی با این عظمت و گستردگی به وسیله پادشاه پدید می‌آمد. یکی از تحولات دیگری که در شهرسازی صورت گرفت، تغیر محور شهرسازی و گسترش آن بود. سابقاً محور این اصلاحات شهری، محل سکونت امرا و مکان کاخ‌های آنان بود، اما در این دوره، رویکرد مذهبی و یا علمی - مذهبی بود که به توسعه و گسترش شهرها سمت و سو می‌داد. مهم‌ترین پژوهش‌ای که در این دوران طالبی شکوفایی معماری و شهرسازی ایران - البته این بار نه با توجه و همت ویژه غازان، بلکه با تدبیر یکی از وزیران نامی و فرهیخته‌اش به نام خواجہ رسیدالدین فضل الله همدانی - ساخته شد، مجموعه ربع رسیدی بود. این بار وقف برای تشویق و ترغیب عالمان به گسترش علوم مورد استفاده قرار گرفت. فلسفه وجودی و همچنین وسعت و گستردگی آن سبب شد که از آن نه تنها به عنوان اولین شهرک دانشگاهی ایران و جهان نام ببرند، بلکه با گذشت قرن‌ها از ساخت این مجموعه، همچنان نظری و رقیبی برای آن وجود نداشته باشد. پس از به قدرت رسیدن اولجایتو، وی دستور داد که بنای شهر سلطانیه - برای انتقال پایتخت از تبریز - آغاز گردد. اولجایتو با این کار، یکی از آرزوهای پدرش، ارغون خان را به مرحله اجرا گذاشت. ارغون، شهر جدید را طرح‌بزی کرده و دستور داده بود که مصالح ساختمانی در آنجا گردآوری شود، ولی قبل از آغاز ساخت فوت شده بود. بدین ترتیب به دستور اولجایتو، ارگی با شانتزه برج سنگی و چندین مسجد که مهم‌ترین آن‌ها - که آرامگاه خود اولجایتو است - با مرمر و چینی تزئین شده بود، احداث گردید. وی کم کم سلطانیه را به شهری کامل تبدیل کرد و تلاش سیاری نمود تا آن را گسترش دهد و مقبولیت عام برای آن فراهم آورد. هر چند در این راه، گام‌های مهمی برداشت، اما سلطانیه هرگز تبریزی نو نشد و نتوانست شهرت، مقبولیت و گستردگی تبریز را به دست آورد و پس از مرگ اولجایتو رو به انحطاط نهاد و تبدیل به یک خرابه متروکه گردید که فقط آرامگاه مجلل بر فراز دشت سلطانیه از آن باقی ماند. یکی از معایب مکان‌یابی سلطانیه، قرار نداشتن در مسیر یا تقاطع راه‌های تجاری بود. به ظاهر اولجایتو از این مطلب آگاه بود و به طرق مختلف تلاش می‌کرد این شهر به صورت یک مرکز و محور تجارتی درآید. اما دور بودن این شهر از محور تجارتی و همچنین فاصله آن با جاده ابریشم باعث شد که چند سال پس از تعیین آن به عنوان پایتخت - پس از مرگ اولجایتو - سریعاً رو به انحطاط رود.

نتیجه‌گیری

سازمان فضایی شهرهای ابوبالبر بر اساس متون تاریخی معتبر، شامل دو قسمت کلی «هسته مرکزی» و «شهرستان» بودند که با یک ساختار هندسی منظم و طرحی از پیش اندیشیده شده، شکل گرفتند. هسته مرکزی شهرهای ابوبالبر مقبره بانی بود که جنبه مذهبی آن با عملکرد فرهنگی - آموزشی نیز تلفیق گردید. در این شهرها به هسته مرکزی، بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری‌های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق شده بود.

«شهرستان» این شهرها از محله‌های مختلف، تشکیل یافته بود و عناصر مهم شهری مانند بازار، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، ضرباخانه، گازرگاه و... در آن قرار داشته‌اند. بافت این شهرها دارای نظم هندسی بوده و به شکل بافت شطرنجی و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راه‌ها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایی‌شان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاهای و فعالیت‌ها در شهرها، تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده شده متناسب با نیازهای اجتماعی (مادی و معنوی) شهروندان بود و تمامی فضاهای از لحاظ کارکردی غالباً کالبد مناسبی را جهت زندگی مطلوب (بودن در محیطی بامتنا برای فعالیت شایسته) فراهم نموده بودند.

هندسه شهرهای ایلخانی و بهویژه شهرهای مهم به گونه‌ای بود که فضاهای شهری در امتداد خیابان‌های طولی

و عرضی عمود بر هم که به سان یک صفحه شطرنجی در سطح شهر گسترده بودند، شکل می‌گرفتند. در اطراف این شبکه، راهها و همچنین پیرامون شهر نیز جهت محدود کردن و به نوعی شکل دادن به شهر و همچنین زیبایی کردن منظر شهری باع‌ها را پدید می‌آوردند. لذا راه‌ها و باع‌ها^{۲۷} به عنوان اجزای لاینک و اجتناب‌ناپذیر شهر ایلخانی مطرح بودند. علاوه بر باروی شهر، باع‌های اطراف، آن‌ها را به شکل باع شهری درآورده و حدود خارجی‌شان را محصور کرده بودند.

چهارچوب این شهرها را محورهای متنهی به دروازه‌ها تشکیل می‌داد. بازار نیز که در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه‌ای تا دروازه دیگر می‌پیمود، به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها... پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند.

پی‌نوشت‌ها

۱. رسم پادشاهان مغول این بوده است که محل دفن آن‌ها مخفی باشد. بیم از نیش قبر توسط بازمانده‌های مقتولان و یا افراد طماع می‌تواند از دلایل آن باشد. در حکایت سیزدهم از تاریخ مبارک غازانی «در ابواب البر که پادشاه اسلام در تبریز و همدان و دیگر ولایات انشا و احداث فرموده و موقوفات و تربیت‌های ایشان و خیراتی که نذر کرده» آمده است: «پادشاهان مغول را از اروغ چنگیزخان رسم و عادات ایشان تا اکنون چنان بوده که مدفن ایشان در موضعی باشد نامعلوم، از آبادانی و عمارت دور چنانکه هیچ آفریده بر آن مطلع نبوده...». (همدانی ۱۳۶۸، ۴۳)

۲. آقای دکتر کیانی در مورد واژه «شعب» معتقدند که «در زبان مغولی به معنی مزار است و این واژه را اولیاً چلبی در سیاحت‌نامه خود از زبان «قیاق»‌ها که در قفقاز نشیمن داشته‌اند، آورده است. بنا بر قواعد صوتی زبان‌های ایرانی چون «تون» و «با» که کنار هم قرار گیرند، به میم تبدیل می‌شوند (همچون *دنب*=دم، *خنب*=خم) واژه به رویه «شم» درآمده است. از سوی دیگر، در زبان مردم آذربایجان واژه‌ای به شکل «شام» و «شم» هست که به زمین‌های مسطح و علفزارهای کرانه رودخانه و دریاچه‌ها گفته می‌شود و پیش از وجود شنب غازان، به این بخش از غرب شهر نیز شام و شم می‌گفتند. این دو واژه و اصلاح با هم تلاقی کرده و اینک آنچه را شام غازان و شم غازان و شنب غازان به هر سه صورت می‌نمایند».



تصویر (۱۹): سه مینیاتور از قرن چهارم (خوانساری ۱۳۸۳، ۶۰-۶۲)

۳. دوازده مینیاتور از قرن چهارم میلادی به جای مانده (خوانساری ۱۳۸۳، ۶۰-۶۲) که از میان آن‌ها یازده مینیاتور، مناظری بهشتی را نشان می‌دهند که شامل تپه، انواع متنوع گیاهان و آبراهه‌هایی از میان کوه می‌باشد که در زمین‌هایی به رنگ طلایی جاری است. تمامی این تصاویر که نمونه‌ای از آن‌ها را می‌بینید، نشان‌دهنده باع‌آرایی و باع‌سازی غنی در این دوران‌اند.

۴. قرارگیری باع رشید‌آباد مجاور دارالشفاء، فقط از این مکتوب قابل استناد است.

- ۵. «دلکش» و «نیکو» دو واژه‌ای هستند که در تمجید بنانها در اکثر متون تاریخی این دوره آمده‌اند. عز شعریاف: کسی که از موی یا ابریشم پارچه بافده. شعریافی: پارچه‌بافی. (فرهنگ دهدزا، ۱۴۴۱)
- ۶. مراجعه شود به سعیدنی، احمد: پژوهشی در ربع رشیدی. مجله هنرهای زیبا، شماره‌های ۷، ۱۱، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱.
- ۷. به فصل چهاردهم از قسم دوم از باب سوم مراجعه شود. برای تمونه «و شرط کرده‌ام که هیچ یک را عورات و عیال در ربع رشیدی نباشد و مجرد در آنجا ساکن باشند و از آن جمله آنک متأهل باشد اهل و عیال ایشان، البته در شهرستان رشیدی مقیم و ساکن باشند جهت خود خانه‌ها بسازند یا به اجرت گیرند». (ص ۲۲ و ۱۷۰)
- ۸. در توضیح محلات شهرستان رشیدی در تقسیم‌بندی وقف‌نامه از محله صالحیه به علت اهمیت و نزدیکی به ربع، جداگانه و از بقیه محلات با عنوان سایر محلات یاد شده است و ریض نیز در میان سایر محلات شهرستان

ذکر شده است. (ص ۱۷۲، ر ۲، س ۵)

۱۰. ص ۱۷۵، ر ۱، س ۲۷؛ ص ۱۷۵، ر ۲، س ۲۶ و ص ۱۷۵، ر ۲، س ۲۲.

۱۱. برای نمونه «غلامان ترک... مسکن ایشان بعضی در ریض بالا و بعضی در ریض زیر». (ص ۱۹۲، ر ۱، س ۱۴)

۱۲. «ممر ایسر... به طرف دروازه روم شهرستان مرمری بریده شده معروف به ممر سرخاب...». (ص ۲۰۶، ر ۲، س ۴) «کهریز مشهور به کهریز نزهه... خشکوای آن هم در اندرون شهرستان بریده شده تا آنجا که دروازه تبریز و مسجد شهرستان است...». (ص ۲۰۶، ر ۲، س ۱۹) «کهریز علاءالدین ایضاً، آبده آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اصلاح می‌رود تا دروازه موغان...» (ص ۲۰۷، ر ۲، س ۶) و «قناوتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می‌آید، در مرمری که موسوم است به ممر ایمن که آن از بالای باعچه نی کس جاری شده بر راه جاده کندرو تا نزدیک در باغ فتح آباد و دروازه عراق و از آنجا هم بر جاده می‌آید تا پول سنگین که به قرب خانقاہ جاندار است...». (ص ۲۰۴، س ۱۸)

۱۳. « محله صالحیه، محله‌ای است از محلات شهرستان رشیدی که به ربع رشیدی نزدیک است و یک در کوچه آن در ممر بزرگ ربع رشیدی است که بر بالا می‌رود و یک در دیگر به جانب بازار که به راه دروازه سرخاب می‌رودن». (ص ۱۷۲، ر ۱، س ۵) و «دهلیز بزرگ که آن را ممر بزرگ می‌گوییم و از بازار که می‌گذرند، بر آنجا به بالا می‌رسد تا به دروازه ربع رشیدی می‌رسد و متصل است به دروازه مذکور...». (ص ۱۴۲، ر ۳، س ۱۳)

۱۴. به باب سوم، قسم دوم، فصل شانزدهم و قفتانمه و مکتوب ۵۱ و ۵۳ از مکاتیب رشیدی مراجعه شود.

۱۵. «... کهریز مشهور به کهریز علاءالدین ایضاً، آبده آن در داخل شهرستان به جنب دیوار باغ اصلاح می‌رود تا دروازه موغان...». (ص ۲۰۷، ر ۲، س ۶)

۱۶. به باغ فتح آباد در صفحات متعدد و قفتانمه اشاره شده است؛ برای نمونه، می‌توان به صفحه ۲۰۴ سطر ۲۰۵ و صفحه ۲۰۵ سطر ۱۷-۱۵ مراجعه شود.

۱۷. «... که این ربع رشیدی عبارت از دو موضع است که یکی پیشتر بنیاد رفته بود و باروی آن کشیده و آن را درگاهی ساخته که منارها متصل آن درگاه است و یکی دیگر پس تر بارو کشیده و اضافه آن بارو اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه به هم یکی کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده‌ایم». (ص ۴۱، س ۵) خانم شیلا بلر در توصیف مجموعه ربع رشیدی و مراحل ساخت و ساز آن این‌گونه نوشت: است: «بنا بر وقف‌نامه، اراضی متعلق به بقیه (رقبات آن) از مجارات خیریه (ابواب البر) شامل دو ناحیه بوده است: آنکه در جلو بوده، باروهایی داشته است و آن را دروازه‌ای (درگاه) با مناره‌هایی متصل بدان ساخته بوده‌اند؛ آنکه در پشت (بقعه) بوده، دروازه‌ای دیگر و نیز بارویی داشته است. باروهای جلو و پشت متصل می‌شده و آن دو زمین را به هم می‌پیوسته است. خواجه رشیدالدین، کل این مجموعه را «ربع رشیدی» خوانده است. برج‌های آجری و باروی مدوری که امروز از آن مجموعه به جا مانده است، اگر هم باروهای اصلی نباشد، بارو جایگاه مجموعه اصلی را نشان می‌دهد». (بلر ۲، ۱۳۸۷)

۱۸. ص ۴۲، س ۲۴-۲۵.

۱۹. ص ۲۰۴، س ۸.

۲۰. ساخت قلعه و ارگ علاوه بر اینکه به جنبه حکومتی شهر سلطانیه اشاره دارد، تجلی شهرسازی ایرانی در سلطانیه نیز می‌باشد.

۲۱. بنا بر گفته حافظ ابرو، دستور ساخت این قلعه را ارغون داده است. وی می‌گوید: «بنای قلعه آن از سنگ تراشیده اشارت فرمود». (حافظ ابرو ۱۳۵۱، ۶۹)

۲۲. در تمامی متون از حضور فضای معماری «صحن» سخن به میان آمده است.

۲۳. «صفه» در تمامی متون مربوط به این دوره در معنای ایوان به کار رفته است و فقط در دو مورد به معنای صحن نیز آمده است.

۲۴. کریاس در متون به معنای فضای ورودی آمده است.



۲۵. در شهرهای اسلامی، حضور بازار معمولاً در اطراف مسجد جامع است، اما در مورد سه آباد البر شنب غازان، ربع رسیدی و سلطانیه این امر صادق نیست، زیرا جهت رونق مجموعه مرکزی، مسجد جامع نه در کناره دروازه بلکه در تلاقی با هسته بوده و همان طور که قبلان نیز بدان اشاره شد، بازار حضوری فعال در این شهرها داشته، اما ارتباطی مستقیم با هسته مذهبی اصلی نداشته است.

۲۶. مراجعه شود به حکایت هشتم از تاریخ مبارک غازانی در باب «دوستی پادشاه اسلام در حق خاندان رسول علیه السلام» که می‌گوید: «... همواره جهت سبیل الحجاج مددها می‌فرماید و مزارات خاندان را زیارت کند و نذرها پذیرد و فرستد و سادات را عزیز و محترم دارد و صدقات و ادرارات در حق ایشان فرماید و چون خانقه و مدارس و مساجد و دیگر آباد البر در هر موضوعی می‌ساخت و اوقاف معین می‌فرمود و وظایف و مشاهرات هر طایفه در نظر آورد و فرمود که چگونه است که از آن فقها و متصوفه و دیگر طوایف هست و از آن سادات نیست. از آن علویان نیز واجب است و فرمود تا در تبریز و دیگر ولایات معظم در تمامی ممالک در بلاد معتبر چون اصفهان و شیراز و بغداد و امثالها دارالسیاده سازند تا سادات آنجا فرو آیند و جهت مصالح ایشان وجهی که مصلحت دید به موجبی که وقف نامها به ذکر آن ناطق است، معین فرمود تا ایشان نیز از خیرات او باجهه باشند...».

۲۷. آقای کیانی به حضور باغ در کنار میدان‌های شهرهای ایلخانی معتقد است. البته این فرضیه با توجه به سراسرستان در ربع و بخشی از باغ رسیدآباد که قبلًا جلوی ورودی ربع بوده است، در مورد ربع رسیدی قابل بررسی می‌باشد.

منابع

- آملی، علامه شمس الدین محمد بن محمود. ۱۳۷۹. *نفائس الفنون فی عرایس العیون*. تصحیح ابراهیم میانجی. تهران: اسلامیه.
- آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۷۲. تحریر تاریخ و صاف. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن بزار اردبیلی. ۱۳۷۳. *صفوة الصفا* (در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی)، مقدمه و تصحیح غلامرضا مجده بی‌جا نی.
- ابن بزار اردبیلی. ۱۹۱۱. *صفوة الصفا*. به کوشش احمد بن کریم تبریزی. بمیثی: بنی‌نا.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. ۱۳۵۹. *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱ و ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آشپولر، برتولد. ۱۳۸۴. *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۷۸. *تاریخ ایران پس از اسلام* (از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه دوره پهلوی). تهران: نامک.
- بالالی اسکوئی، آریتا، کی‌نژاد، محمدعلی و نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. طرح فرضی ربع و شهرستان رسیدی. صفحه (۵۰) ۵۱-۵۷.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۲. هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان. ترجمه هاشمی گلپایگانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۷. معماری و جامعه در دوره ایلخانی: تحلیلی درباره وقف‌نامه ربع رسیدی. ترجمه مهرداد قیومی بید هندی. گلستان هنر (۱۳): ص ۴۸-۷۲.
- بیرا، شاگدارین. ۱۳۷۰. *تاریخ سری مغلان*. پیام یونسکو (۲۲۲): ص ۴۸-۲۰.
- جوادی، شفیع. ۱۳۵۰. *تبریز و بیرامون*. بنیاد فرهنگی آذربایجان، تبریز.
- حافظ ابرو، نورالله بن لطف الله بن عبد الرشید البهدادی. ۱۳۵۱. *ذیل جامع التواریخ رسیدی شامل وقایع*. به اهتمام دکتر خانبابیانی. تهران: انجمن آثار ملی.
- حمزه‌لو، منوچهر. ۱۳۸۱. *هنرهاي کاربردي در گنبد سلطانيه*. تهران: ماکان.

- خوانساری، مهدی. ۱۳۸۳. باغ ایرانی، بازتابی از بهشت. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- خواندمیر، غیاث الدین. ۱۳۳۳. تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، ج. ۳. زیر نظر محمد دیر سیاقی. تهران: کتابخانه خیام.
- دیولافو، مادام. ۱۳۶۱. سفرنامه. ترجمه و نگارش فرهوشی. تهران: کتابفروشی خیام.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۶۷. لغت نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- سعیدنیا، احمد. ۱۳۷۹. پژوهشی در ربع رسیدی. هنرهای زیبا (۷): ۴۰-۴۹.
- سعیدنیا، احمد. ۱۳۸۱. بازآفرینی شهرستان رسیدی. هنرهای زیبا (۱۱): ۴۱-۴۹.
- سمرقندی، دولتشاه. ۱۳۸۲. تذكرة الشعرا، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- شاردن، زان. ۱۳۷۴. سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. ج. ۲. تهران: توس.
- شهاب الدین عبدالله بن عزالدین فضل الله شیرازی (وصاف). ۱۳۶۹. تاریخ وصف یا وصف الحضرة. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. بی جا: بی نا.
- قاجار، نادر میرزا. ۱۳۷۳. تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به اهتمام طباطبائی مجد. تبریز.
- کارنگ، عبدالعلی. ۱۳۵۱. آثار باستانی آذربایجان (آثار و اینهای تاریخی شهرستان تبریز). تبریز: انجمن آثار ملی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. ۱۳۴۸. تاریخ اولجایتو. به اهتمام مهین همبی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کلاویخو. ۱۳۶۶. سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجبنیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۶. شهرهای ایران، ج. ۱-۴. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کی نژاد، محمد علی و بلالی اسکویی، آزینا. ۱۳۹۰. بازآفرینی ربع رسیدی براساس متون تاریخی. تهران: نشر آثار هنری متن (فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران).
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر. ۱۳۶۲. تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوابی. تهران: امیرکبیر.
- ———. ۱۳۷۸. ترمه القلوب. تصحیح و تحقیق دکتر محمد دیر سیاقی. تهران: طه.
- مشکور، محمدجواد. ۱۳۷۲. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم. تهران: انجمن آثار ملی.
- مینورسکی، ولادیمیر. ۱۳۳۷. تاریخ تبریز. ترجمه و تحقیق عبدالعلی کارنگ. تبریز: کتابفروشی تهران.
- نصوح مطرافقی. ۱۳۷۹. بیان منازل. ترجمه و تعلیق رحیم رئیس نیا. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ویلبر، دونالد. ۱۳۶۵. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان. ترجمه عبدالله فریار. تهران: علمی و فرهنگی.
- همدانی، رسید الدین فضل الله. ۱۳۶۸. تاریخ مبارک غازانی (داستان غازان خان). تصحیح و اهتمام کارل یان. اصفهان: پرسشن.
- همدانی، رسید الدین فضل الله. ۱۹۴۵م. مکاتبات رسیدی. گردآوری محمد ابرقوهی. به اهتمام محمد شفیع. لاهور: دانشگاه پنجاب.
- ———. ۱۹۵۷م. جامع التواریخ. به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علیزاده. باکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- ———. ۱۳۵۶. وقفه ربع رسیدی، چاپ حروفی. به اهتمام مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.